



تحصیلات خود را به پایان رسانده است، یکباره به دام
التقاط و ابتذال و انحراف می‌افتد و به جای آن که در راه
رشد و تعالی خود و جامعه اش بکوشد، به ابزاری در دست
مخالفان دین و میهن و مردم بدل می‌شود؟ شکی نیست
که هم خانه و هم مدرسه و هم محیط، نقشی محوری در
شکل‌گیری شخصیت جوان دارند و شخصیت اخلاقی، علمی
و هویت دینی او را شکل می‌دهند؛ ولی نباید از یاد برد که در
جوهره جوانی اکسیری نهفته است که اگر در مسیری درست
هدایت نشود، این عوامل هم به تنهایی توان تعالی جوان یا
جلوگیری از سقوط او را نخواهند داشت.

شکار جوانان و صیادی سیاسی

جوهره جوانی و جریان‌های سیاسی

الف ایلامی



جوان آرمانگراست

به همان اندازه که پیر در گذشته و با خاطرات خود زندگی می‌کند، جوان در آینده و با آرمان‌ها و آرزوهای فردایش زندگی می‌کند. جوان در ذهنش مدینه فاضله و قصری رؤیایی برای خود می‌سازد و در اندیشه و ورود به آن مدینه و آن قصر به تلاش و تکاپو می‌پردازد. خداوند جاذبه جنسی را در نهاد انسان قرار داده تا انگیزه‌ای برای تشکیل خانواده و در نتیجه بقای نسل بشر باشد، اما اگر این جاذبه در مسیری که خداوند و شرع مقدس معین کرده قرار نگیرد، علاوه بر اشاعه فساد و فحشا در جامعه، نوع بشر نیز به خطر می‌افتد.^۱ به همین ترتیب، خداوند در نهاد جوان، آرمانگرایی را نیز قرار داده تا حس تکاپو و تلاش و آینده‌سازی و امید به زندگی را در او تقویت کند. مقام معظم رهبری درباره محسوس بودن آرمانگرایی جوان می‌فرماید: «در محیط جوان، آرمان‌ها محسوس، ملموس، زنده، قابل دسترسی و دستیابی است، لذا برای آن‌ها تلاش می‌شود. خود این تلاش، تلاش مبارکی می‌شود.»^۲

آرمان‌گرایی نیز چون نعمت‌های دیگر الهی، به همان اندازه که فرصت محسوب می‌شود، برای جوان تهدیدی نیز به شمار می‌آید؛ زیرا اگر آرمانگرایی در مسیر صحیح خود قرار نگیرد، جوان را به دام‌هایی سوق می‌دهد که شکارچیان ماهر آن را بر سر راه جوانان پهن کرده‌اند. این شکارچیان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول، افراد و گروه‌هایی هستند که آرمانگرایی را نوعی خیال‌پردازی و فریب خود تلقی می‌کنند. گروه دوم، افراد و گروه‌هایی هستند که با بالا بردن توقعات جوانان، اندیشه‌ها و برنامه‌های خود را تنها راه رسیدن جوان به آرمان‌ها معرفی می‌کنند.

گروه اول چه می‌گویند و چه می‌کنند؟ گروه اول افراد و جریان‌های فرهنگی و سیاسی‌ای هستند که یا خود به مقصد و مقصود نرسیده‌اند، یا چنان روحیه عقده و انتقام‌جویی در آنان شدت گرفته است

که چشم دیدن تعالی و ترقی جوانان این سرزمین را ندارند و در صدد منزوی کردن جوانان و دمیدن روح یأس و ناامیدی در آنان هستند.

این گروه‌ها که مستقیم و غیرمستقیم توسط عوامل استکبار و با صرف هزینه‌های گزاف^۳ آنان در صدد متوقف کردن روند رو به رشد امید در زندگی و توسعه کشور اسلامی هستند، با سخنان بیهوده و بی‌اساس چون «دیگران که مدرک گرفته‌اند کجا را گرفته‌اند»، «بر فرض که تحصیل کردی، کار کجاست؟»، «زن بر طبل بیعاری که آن هم عالمی دارد» و ... جوانان را به استفاده از مواد مخدر، قرص‌های روانگردان، شرکت در جلسات لهو و لعب، مطالعه کتب رمان‌نویسان پوچ و خواندن اشعار شاعرانی که بدبینانه به جهان می‌نگرند دعوت می‌کنند و روح آرمانگرایی و امید و نشاط و جوانی را از آنان می‌گیرند.

فرقه‌های صوفیه، محافل و مجالس به ظاهر ادبی و عرفانی، اما در واقع مبلغ و مروج عرفان‌های وارداتی (چون عرفان‌های سرخپوستی، کنفوسیوسی، هندویسی و ...)، افراد شیادی که با شیوه‌ها و شگردهای غیر شرعی و با تلفیق ناصواب آیات و روایات با هم به ارائه تعاریف مبتذل از خلقت انسان و آفرینش آسمان و زمین و فرشتگان می‌پردازند، مدعیان دروغین مهدویت و گروه‌های پانک و رپ و ...، و حتی گروه‌های شیطان‌پرستی که با آرایش سیاه و پوشیدن لباس‌هایی با آرم اسکلت آدمی و ... به خیابان‌ها پا می‌گذارند، به جای دمیدن روح امید و شادابی و آرمانگرایی، جوانان را به انزوا و عزلت و درون‌گرایی و کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی و محافل علمی و اخلاقی فرامی‌خوانند. این گروه‌ها را می‌توان در زمره گروه نخست به شمار آورد.

شیوه‌ها و شگردهای گروه دوم

گروه دوم بر خلاف گروه اول، که اغلب در قالب جریان‌های فرهنگی، سیاست‌های التقاطی و جدید، اهداف

خود را دنبال می‌کنند، بیشتر، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی هستند. این افراد و گروه‌ها با استفاده از روحیه آرمانگرایی جوان در صدد رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود هستند و به جوان و روحیه آرمانگرایی او به چشم ابزاری می‌نگرند که راه دستیابی به قدرت را برای آنان هموار می‌سازد. از یاد نبریم که پس از پیروزی انقلاب، گروه‌های مارکسیستی و چپ‌گرا با شعارهایی چون «نان، مسکن، امنیت»، «جامعه بی‌طبقه توحیدی» و ... یگانه منجی جامعه و نسخه دستیابی جوانان به آرمان‌ها و آرزوهای آنان را برنامه‌های سوسیالیستی و حاکمیت خود بر جامعه می‌دانستند و بسیاری از جوانان را به سوی خانه‌های تیمی و عنکبوتی کشاندند و عملاً آنان را از خدمت به خانواده و جامعه و نظام اسلامی باز داشتند.

جوان چه وظیفه‌ای دارد؟

جوان باید به آرمانگرایی به چشم ودیعه‌ای الهی بنگرد و اجازه ندهد اندیشه ایده‌آلیستی (پندارگرایی) جریان‌های پندارگرا و وهم‌آلود و نیز دگماتیسم محصورگرا در یک حزب و گروه، او را از اندیشه رئالیستی (واقع‌گرایی) جدا کند.

جوان باید این وصیت امام کاظم علیه السلام را به هشام بن حکم، نصب العین خود قرار دهد که «یا هشام لو کان فی یدک جوزه و قال الناس [فی یدک] لؤلؤه ما کان ینفَعک و انت تعلم أنها جوزه و لو کان فی یدک لؤلؤة و قال الناس: إنها جوزه ما صَرَک و انت تعلم أنها لؤلؤة»؛^۴ ای هشام، اگر گردویی در دست تو باشد و همه مردم آن را درزی گرانبها خواندند و تو به این مسئله ایمان داشتی که آن گردویی است، قضاوت و برداشت مردم به حال تو سودی نخواهد داشت و بالعکس، اگر تو درزی گرانبها در دست داشتی و مردم آن را گردویی تلقی کردند و خود به ارزش آن واقف بودی، بدان که ضرری به تو نخواهد رسید.

جوان باید به این معنا دست یابد که سرمایه، تنها سرمایه مادی نیست، بلکه

همین آرمان خواهی، خود بزرگ‌ترین سرمایه است. گاه داشتن یک خانواده خوب، پدر، مادر، خواهر، برادر، یا دوستی تلاشگر و مؤمن و مقید به آداب اسلامی، بزرگ‌ترین سرمایه است و هرگز با سرمایه‌های دیگر قابل قیاس نیست.

جوان به دنبال الگوست

تأثیرپذیری از نوع نگاه به جهان و تأسی به نوع رفتار، از پوشش گرفته تا نوع غذا خوردن و تکرار واژهایی که الگو از آن استفاده می‌کند، از ویژگی‌های نسل جوان و اقتضائات جوانی است.

کمپانی‌های بزرگ تولید لباس، مواد غذایی و حتی سیگار و آدامس، بیشترین منفعت را از الگوپذیری جوانان می‌برند. آنان پس از الگوسازی کذب در میان هنرپیشگان، ورزشکاران، خوانندگان و بازی‌های رایانه‌ای، محصولات خود را از طریق این مانکن‌های زنده و گاه کاغذی و گاه رایانه‌ای به تولید انبوه می‌رسانند و اعتقادات و فرهنگ و سیاست خود را به همراه سود سرشار از فروش آن دنبال می‌کنند.

در ابتدای انقلاب، گروه‌های چپ‌گرا با ارائه الگوهای خود که در مبارزات چریکی کشته شده بودند، تا حدودی موفق به پر کردن خلأ الگویابی جوانان شدند و متأسفانه بسیاری را با این الگوها به خانه‌های عنکبوتی کشاندند و آنان را در برابر دین و مذهب و ملت و سرزمین مادری خود قرار دادند.

جوان مسلمان باید در برخورد با الگوهای فرهنگی، ورزشی، هنری و خصوصاً سیاسی، عقلانیت را بر احساسات غلبه دهد و این معنا را بپذیرد که حضرت رسول اعظم ﷺ فرمودند: «من تشبه بقوم فهو منهم»؛ هر کس خود را شبیه قومی کند، از آن‌ها به شمار می‌رود.

یک جوان مسلمان باید به این حدیث امیر مؤمنان توجه کند که فرمود: «او حی الله تبارک و تعالی الی نبی من الانبیاء: قل لقموک لا یلبسوا لباس اعدایی و لا یطعموا مطاعم اعدایی و لا تتشکلوا بمشاکل اعدایی فیکونوا اعدایی»؛ خداوند به یکی از انبیایش وحی کرد

که به قومت بگو که لباس دشمنانم را نپوشند و غذای دشمنان را نخورند و خود را به شکل آنان درنیارند که در این صورت جزو دشمنان من شمرده می‌شوند.

جوان پر انرژی است

اقتضای جوانی، پر انرژی بودن است. همین مسئله موجب شده است که او برخلاف افراد مسن و میانسال، پر تحرک باشد و نتواند در یک حالت و یک مکان بماند.

این پرسش: «پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر، مادر دیگر کاری ندارید؟!»، که گاه در محیط خانه جوان شنیده می‌شود، تفاوت جوان با افراد میانسال و بزرگسال و رابطه مفهوم زمان را با انرژی جوان به اثبات می‌رساند. اگر سیر تحول و تطور تاریخ بشر را به سه دوره کشاورزی، دامپروری، و صنعتی تقسیم کنیم، در دو دوره کشاورزی و دامپروری به خاطر این‌که بیشتر مشاغل محصور و محدود به استفاده از دست و بازو بوده، طبیعتاً، کار با تخلیه انرژی همراه بوده و جوان نیز (همانند افراد دیگر) با بدنی خسته محل کار را ترک می‌کرده است؛ اما در دوره ما که عصر صنعت نامیده می‌شود، به لحاظ این‌که بیشتر مشاغل بدون تخلیه انرژی جسمی و روحی همراه است، بسیاری افراد، به ویژه جوانان با معضل تخلیه انرژی روبه‌رو هستند و این انرژی که سرمایه‌ای بس گران‌بهاست برای آن‌ها به کوله باری سنگین مبدل شده است. از این رو، جوان از هر برنامه‌ای که با طبیعت سرشار از انرژی او همخوانی داشته باشد استقبال می‌کند؛ چه ورزشی، چه میتینگ حزبی و چه عملیات‌های پرهیجان و اکشن‌های تند. رفتار جوان پس از پیروزی یا شکست تیم‌های مورد علاقه‌شان در ورزشگاه به نوعی به همین نیاز به تخلیه انرژی در عصر صنعت باز می‌گردد.

وجود این جوهره جوانی در کالبد جوان، موجب گشت که جریان‌های سیاسی و گروهک‌های چپ‌گرا و راست‌گرا در سال‌های آغازین انقلاب،

برای نائل آمدن به اهداف خود، بسترها و عرصه‌های تخلیه انرژی جوانان را در لیست برنامه‌های خود قرار دهند. برگزاری مراسم کوهنوردی، مقاله خوانی، مقاله نویسی، روزنامه دیواری، آموزش اسلحه و... از سوی گروهک‌ها، بسیاری از جوانان را به دام آن‌ها گرفتار کرد. تمسک به شیوه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی، ایجاد جذابیت‌های جنسی با اختلاط بین دختران و پسران در برنامه‌های سازمان‌ها و گروهک‌های چپ‌گرا در سال‌های نخست پیروزی انقلاب، بعدها توسط گروه‌های متمایل به بلوک غرب، که از پیش از انقلاب محافل ادبی و هنری و ورزشی را در اختیار داشتند، مورد استفاده قرار گرفت و این محافل و مراکز، عملاً به دفتر



عضوگیری و یارگیری برای احزاب و گروه‌های متمایل به فرهنگ منحط غرب مبدل گردید.

جوان استقلال طلب است

جوان به دنبال اعلام استقلال است. از این رو، به دنبال طرح شخصیت خود و اعلام موجودیت در خانه و جامعه است. او دوست دارد افراد جامعه به رسمیتش بشناسند، به او بها دهند، از او نظر بخواهند، در جمع از او یاد کنند و به او احترام بگذارند.

متأسفانه، هنوز در جامعه ما به جوان اجازه اظهار نظر داده نمی‌شود. بدین خاطر، جوان مجبور است برای اثبات جوهره جوانی گاه دیرتر به منزل بیاید، رفت و آمدهای خود را مخفی کند و گاه در برابر خانواده و سنت‌های اجتماعی

و فضای حاکم بر جامعه لب به اعتراض بگشاید.

این روحیه جوان موجب شده است تا گروه‌های منحرف اخلاقی و سیاسی، با اعطای شخصیت کاذب به جوان و سردادن شعارهای جوان پسند (جوان حق انتخاب دارد، او آزاد است و ...) در میان قشر جوان خیمه بزنند و به شکار این نهال‌های نوپای جامعه اسلامی پردازند. بهره‌برداری از چنین روحیه‌ای از سوی گروه‌ها تا بدان جاست که برخی از سیاستمداران و جریان‌ها، به جریان‌های جوان زده مبدل می‌شوند.

این افراد و جریان‌های جوان زده در سال‌های نخست پیروزی انقلاب، بسترهای ارضای روحیه استقلال طلبی جوانان را با ایجاد خانه‌های تیمی، دادن مأموریت‌های سنگین (مانند ترور مردم) و اعطای شخصیت و دادن پست‌های کاذب (مانند فرماندهی چند دختر و پسر در فلان محله) فراهم می‌کردند و بسیاری از جوانان را به نام جوانی در برابر اسلام و انقلاب و خانه و مدرسه و جامعه قرار می‌دادند. در کنار این حرکت، جریان‌های چپ‌گرا و جریان‌های وابسته به غرب هم از آغاز انقلاب تاکنون با دادن شعارهای جوان پسند و تعریف و تمجیدهای بی‌پایه و بی‌اساس و بازی کردن با احساسات پاک آنان همواره در صدد بوده‌اند روحیه استقلال طلبی آنان را به روحیه رویارویی با استقلال و تمامیت نظام جمهوری اسلامی مبدل کنند.

اعترافات تکان دهنده دختران و پسرانی که در دام سازمان منافقین افتاده یا آنان که در محافل و مجالس غرب‌گرا شب‌ها را به صبح رسانده‌اند ثابت می‌کند که این گروه‌ها نه تنها به شخصیت و هویت و استقلال طلبی جوان احترام نمی‌گذارند، بلکه با اجرای محدودیت‌های سنگین، همواره از آنان به عنوان طعمه برای شکار دیگران استفاده می‌کنند.^۸

از یاد نباید برد که حضرت رسول اکرم ﷺ جوان‌گرا بود و به جوانان اهتمام خاصی داشت و حتی فرمانده سپاهش (اسامه) یک جوان بود. امام

هم فردی جوان‌گرا بود و بیشتر یاران و فرماندهان او از قشر جوان برخاستند و حماسی‌ترین مقطع تاریخ ایران (دفاع مقدس) توسط آنان اداره شد. تفاوت جوان‌گرایی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین و به دنبال آن نهضت اسلامی ما با جوان‌زدگی جریان‌ها و گروه‌ها، در نوع نگاه به جوان است. در جوان‌گرایی، این احترام واقعی است؛ نگاه دلسوزانه است و به موازات تشویق جوانان، تحذیر نیز هست؛ بسترهای رشد علمی و معنوی جوان و احترام متقابل به سنت‌ها و سالخورده‌گان نیز به چشم می‌خورد و لغزشگاه‌های غرور و خودمحوری به او نشان داده می‌شود، اما در جوان‌زدگی، نگاه به جوان، نگاه دیگری است؛ درست خلاف آنچه از آن یاد شد.

بی‌نوشت‌ها:

۱. در حال حاضر، به دلیل فساد و فحشا و از هم پاشیدگی خانواده، نرخ زاد و ولد در برخی کشورهای غربی به صفر رسیده است. آسان‌گیری در مهاجرپذیری و نیز جایزه قرار دادن برای متولد شدن فرزند از پیامدهای خارج شدن روابط جنسی از مسیری است که خداوند برای نوع بشر مقرر کرده است.
۲. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان در بیانات مقام معظم رهبری، ج ۵، ص ۶۹.
۳. در مرزهای شمال و شمال غربی، مشروبات الکلی و در مرزهای شرق و جنوب شرقی، مواد مخدر مجانی در اختیار قاچاقچیان قرار می‌گیرد.
۴. تحف العقول، ص ۲۸۶.
۵. مانند عکس‌های چگوارا، متأسفانه در چند سال گذشته چاپ این عکس و الگوهای مبارزاتی غیر مسلمان دامنه‌ای وسیع یافته است.
۶. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۱۷۰.
۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۱۰، ح ۳۳۸۶.
۸. به اعضای سازمان منافقین تنها اجازه داشتن یک رادیو یک موج و مطالعه مجله مجاهد داده می‌شود. سردمداران جریان‌های لیبرالی نیز به شدت از نزدیک شدن جوانان به محافل مذهبی و روحانی جلوگیری می‌کنند.

